**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

*موضوع:* كتاب الطهارة/الوضوء /استحباب غیری وضوء

خارج فقه ج 61 - فی غایات الوضوء – 13/10/1400

سوال ؟ آیا استحباب وضو نفسیت دارد یا غیریت ؟ تا الان غیری بودن آن چه امر به وجوب و چه استحباب ثابت شد که وضو مقدمه برای نماز و مس قرآن و ... است ، حال آیا خود وضو مستحب نفسی است یا نه؟ دو قول وجود دارد :

قول اول : وضو بدون قصد غایات باطل است و باید غایت وضو مشخص شود که آیا نماز یا مس قرآن و... است.

شهید اول در ذکری[[1]](#footnote-1) فرمودند اگر کسی به طور مطلق وضو گرفت صحیح نیست چون وضو مشترک بین واجب و مستحب و مباح است و اگر به عنوان بودن بر طهارت وضو گرفت قول اقرب صحت است و چرا ایشان قطعی فتوا نداد ؟ چون طهارت بدون رفع حدث ممنوع است چون طهارت از آن جهت طهارت می گویند که رافع حدث است.

اشکال مرحوم شیخ انصاری در کتاب الطهارة[[2]](#footnote-2) ذیل تنبیه سوم بر ایشان : که اگر مراد شما از وضوی بجا آورده بدون غایت و کون علی الطهاره بود از مقسم خارج شده مقسم وضوی مستحبی است و چنین وضویی مستحب نیست و اگر چیزی مستحب نباشد و به عنوان مستحب انجام شود تشریع است و حرام است لذا ما وضویی نداریم که مقابل وضوی مستحب باشد قطعا وضو یا واجب و یا مستحب است چون شهید اول نیت مطلق را مقابل مستحب قرار داد.

قول دوم : وضو فی نفسه مستحب است و محبوبیت ذاتی دارد فاضل هندی در کشف اللثام [[3]](#footnote-3) ادعای اجماع و مرحوم ابن ادریس در سرائر [[4]](#footnote-4) و علامه در معتبر[[5]](#footnote-5) و شهید اول و ثانی[[6]](#footnote-6) همه به استحباب نفسی وضو اشاره کرده اند و مهمترین استدلال آیات و روایات است.

اما آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابينَ‏ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرينَ﴾[[7]](#footnote-7)دلالت دارد طهارت محبوبیت نفسی دارد چه طهارت از حدث و چه خبث چون متطهر عام است و هر دو را می گیرد.

اما روایات زیاد است:

منها : «الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهُورِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ‏ فَتَطَهَّرُوا »[[8]](#footnote-8) ظاهر امر فتطهروا استحباب نفسی است و اشاره به وضوی تجدیدی ندارد.

منها : حدیث قدسی «مَنْ‏ أَحْدَثَ‏ وَ لَمْ‏ يَتَوَضَّأْ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ أَحْدَثَ وَ تَوَضَّأَ وَ لَمْ يُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ‏ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ أَحْدَثَ وَ تَوَضَّأَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَانِي وَ لَمْ أُجِبْهُ فِيمَا سَأَلَنِي مِنْ أَمْرِ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ فَقَدْ جَفَوْتُهُ وَ لَسْتُ بِرَبٍّ جَافٍ» [[9]](#footnote-9)

منها: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : قوله(صلی الله علیه و آله و سلم) يَا أَنَسُ أَكْثِرْ مِنَ الطَّهُورِ يَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ‏ بِاللَّيْلِ‏ وَ النَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ مِتَّ شَهِيداً.[[10]](#footnote-10)

منها : قول أمیر المؤمنین(علیه السلام) أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانُوا إِذَا بَالُوا تَوَضَّئُوا أَوْ تَيَمَّمُوا مَخَافَةَ أَنْ تُدْرِكَهُمُ السَّاعَةُ.[[11]](#footnote-11)

منها : الْوُضُوءُ عَلَى‏ الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ.[[12]](#footnote-12)

اشکالات ادله فوق :

اشکال اول : آیه دلالت بر غیریت وضو دارد و اشاره به زن حائض دارد که می تواند وضو بگیرد اگر چه رفع حدث نمی‌کند اما وضو گرفتن را خدا دوست دارد. و ائمه اطهار علیهم السلام هم به این آیه استشهاد می کردند که عربها با سنگ استنجا می کردند و پیامبر شنیده بودند این مطلب را که با سنگ استنجا و دست را بعد از آن نمی شستند و غذا می خوردند آیه نازل شد که استنجاء به آب افضل از استنجاء به حجر است و استنجاء به سنگ فقط نظافت شرعی دارد علاوه بر اینکه اخبار اشاره دارد به اینکه کون علی الطهارة مستحب است چون مصلحت دارد که اگر بر طهارت بمیرد شهید مرده است از طهارت محسوس به طهارت معقول می رسد لذا هرگز این روایات نمی خواهد بگوید یک وضویی مقابل وضوی مستحبی وجود دارد بلکه تشویق به وضوی مستحبی است.

اشکال دوم : در اصول علما تحقیق کرده اند که وجوب و استحباب طهارت مقدمی است و هرگز حدث اصغر باعث نمی‌شود وضو مستحب شود ، این حدث ذی المقدمه نیست بلکه مس قرآن و خواندن نماز و .... اینها ذی المقدمه و سبب برای وجوب یا استحباب وضو است.

مرحوم آقای خویی و حکیم از طریق محبوبیت برای استحباب نفسیت وضو دلیل آوردند که خداوند وضو را دوست دارد پس وضو موضوعیت و نفسیت دارد.

اشکال بر ایشان : محبوبیت سبب انس با خدا است نه اینکه سبب برای مقدمی کردن وضو باشد و مقدمی کردن وضو را خواندن قرآن و نماز درست می کند اما خدا وضو را دوست دارد معنایش این است که وضو مایه تقرب و انس به خدا است.

1. - الذکری، ج2،ص111. [↑](#footnote-ref-1)
2. - كتاب الطهارة (للشيخ الأنصاري)؛ ج‌2، ص: 76. [↑](#footnote-ref-2)
3. - کشف اللثام،ج1،ص8. [↑](#footnote-ref-3)
4. - السرائر،ج1،ص105. [↑](#footnote-ref-4)
5. - المعتبر،ج1،ص10، القواعد،ج1،ص176. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الدروس، ج1، ص86، روض الجنان، ص15. [↑](#footnote-ref-6)
7. بقره/222. [↑](#footnote-ref-7)
8. - وسائل الشيعة، باب8 من ابواب الوضوء،ح10. [↑](#footnote-ref-8)
9. - نفس المصدر، باب 11 من ابواب الوضوء، ح2. [↑](#footnote-ref-9)
10. - نفس المصدر، باب استحباب الوضوء لنوم الجنب، ح3. [↑](#footnote-ref-10)
11. - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج1، ص298، ح671. [↑](#footnote-ref-11)
12. -وسائل الشيعة ، باب استحباب تجدید الوضوء من غیر الحدث..،ح8. [↑](#footnote-ref-12)